

۹۱ / ۱۲ / ۲

جلسه ۶۹

صحیح و اعم

چهارشنبه

سال سوم

صحیح و اعم (۵)

## بخش نخست : مفاهیم اعتباری

**یک :** (مثلاً در ماهیت صلاة) شارع آثاری را مدّ نظر می گیرد و برای رسیدن به آنها، ماهیتی را اعتبار می کند

**دو :** در این جا، آثار، علت اعتبار هستند و در موضوع له قید نشده اند = حیثیت تعلیلیه

**سه :** آن ماهیت با توجه به اینکه برای رسیدن به آن آثار تمام است، متصف به صفت تام می شود

= **تمامیت در حوزه مفاهیم**

**چهار :** اگر گفتیم نام صلوة برای همان ده جزء قرار داده شده است = **صحیحی** شده ایم

اگر گفتیم برای - مثلاً - «هشت جزء» قرار داده شده است = **اعمی** شده ایم

**پنج :** زید در خارج نمازی می خواند. اگر مطابق با طبیعت نوعیه است، تام است و الا ناقص است

= **تمامیت در حوزه مصادیق**

اگر **تمامیت در حوزه مصادیق** به عنوان موضوع له می باشد = قول به **وضع عام موضوع له خاص**

**چراکه :** هر مصداق در حقیقت یک جزئی از جزئیات مفهوم «تمامیت در حوزه مصادیق» است

ما  
می گوئیم  
(۳)

## بخش دوم : مفاهیم حقیقی

**یک :** (مثلا در ماهیت هندوانه) طبیعت نوعیه هندوانه دارای اجزائی است و آثاری را دارد

**دو :** واضح لغت :

یا لفظ هندوانه را برای همه آن اجزاء قرار داده است = **صحیحی**

و یا برای برخی از آنها = **اعمی**

**سه :** ماهیت هندوانه به تمامیت متصف نمی شود

**چهار :** مصادیق هندوانه به صفت تمامیت متصف می شود، مصادیق است.

یعنی اگر این هندوانه مطابق با ماهیت و طبیعت نوعیه بود تام است و الا ناقص است

ما  
می گوئیم  
(۴)

## بحث از ماهیات اعتباری و نه مصادیق

چون سخن درباره وضع ماهیات اعتباری و نه مصادیق است، باید بحث را درباره تمامیت در حوزه مفاهیم مطرح کنیم

تا کنون  
گفتیم

## آثار، مقوم مفهوم تمامیت است

در حوزه مفاهیم اعتباری، تمامیت از قیاس با آثار انتزاع می شود و لذا آثار مقوم مفهوم تمامیت هستند

## طبق فرمایش آخوند:

**آثار = معلول صلوة تام (ده جزئی) یعنی مصداق تمامیت هستند**

و این منافاتی با این ندارد که طبق فرمایش اصفهانی آثار علت انتزاع مفهوم تمامیت باشند

دو نکته  
اساسی

اگر اثری مثل **معراج مؤمن** به عنوان مقوم مفهوم تمامیت لحاظ شود:

اشکالی ندارد که اثری دیگر مثل **اسقاط قضا** به عنوان معلول تمامیت مطرح شود

### «اسامی عبادات» کلی است

و وضع در آنها، به نحو وضع عام، موضوع له عام است

وضع و موضوع له در الفاظ عبادات = **عام** است

احتمال اینکه وضع عام، موضوع له **خاص** باشد، **بعید** است

### لازمه این قول آن است که :

**بگوییم** اگر این الفاظ در معنای جامع (مفهوم و عنوان کلی) استعمال شدند، این استعمال، مجازی است.

**یا بگوییم:** استعمال این الفاظ در جامع و امثال آن، ممنوع است

که البته مجازی بودن و ممنوع بودن این استعمال بعید است

### صحیحی ها نمی خواهند بگویند :

صلوۀ وضع شده است برای «صلوۀ صحیح».

که اگر چنین باشد: مفهوم «صلوۀ صحیح» می شود موضوع له صلوۀ (یعنی مفهوم صلوۀ + مفهوم صحیح).

### همچنین صحیحی ها نمی خواهند بگویند :

صلوۀ وضع شده است برای «مصادیق صلوۀ صحیح»

### علت محال بودن این سخن :

**اولاً:** در این صورت وضع عام و موضوع له خاص می شود که یک امر وجودی است و از آن، دو عنوان صلوۀ و صحیح انتزاع می شود.

اگر بخواهند بگویند یک «وجود سعی» بین افراد یک طبیعت سریان دارد، سخن غلطی است

**ثانیاً:** نمازی که به حمل شایع، صحیح است، آن نمازی است که همه اجزاء و شرایط را دارا باشد، حتی قصد امر، چراکه تا امر نباشد وجودش ممکن نیست. و هر نمازی غیر از چنین نمازی، به حمل شایع باطل است

کلام

حضرت

امام

### در حالیکه :

صلوة شرایطی که از ناحیه امر پدید می آیند، قطعاً داخل بحث صحیح و اعم نیست.  
و همچنین فسادی که از قبل نهی در عبادات و یا فسادی که در فرض اجتماع امر و نهی و غلبه جانب نهی  
حاصل می شوند، طبق نظر اصولیون از محل بحث خارج هستند  
در حالیکه اگر مراد «صلوة صحیح به حمل شایع» باشد، داخل در بحث می شوند

**حضرت امام بر این عقیده اند که «صحیحی» ها تنها با دو فرض مواجه هستند:**

۱. جایی که مفهوم صلوٰه + مفهوم صحیح لحاظ شود یعنی مفهوم «صلوٰه صحیح»

۲. جایی که مصداق خارجی صلوٰه صحیح لحاظ شود

### **تصور فرض سوم:**

مفهوم صلوٰه از این جهت که مصادیقش دارای اثر هستند، حقیقتاً معروض صحت است و مصداق صحیح است

### **دلیل حضرت امام بر بطلان فرض اول:**

در «صحیح» از عوارض وجود است و قید ماهیت نمی شود.

در حالیکه در تمام اصناف، علیرغم آن که عوارض وجود، پدید آورنده صنف هستند ولی در ماهیت تقید ایجاد

می کنند

کلام  
حضرت  
امام